



## در روزهای کرونایی واقعاً زندگی نکردیم

## کوله‌اش زندگی کرده بود

آمنه اسماعیلی  
نویسنده

کوله امیرحسین را خالی می‌کردم که بشویمش و برای مهر آینده و ارسالی‌اش کنم. چند جایش را روی زمین کشیده و ساییده شده ولی هنوز قابل استفاده است. دلم می‌خواهد برایش یک کوله جدید بخرم ولی می‌دانم که باید این را بفهمد که بهتر است تا چیزی قابل استفاده است، به فکر خرید یکی دیگر نباشد...

خستگی کوله‌اش از درزهایی که کمی کش آمده و آسترهایی که کمی کج شده‌اند، پیداست. جسمانم با دیدن خستگی و کثیفی کوله‌اش که حتماً خیلی پرت شده زیر میز یا گوشه حیاط و رفته پی فوتبال، برق زد. این روزها چقدر بوییدنی و بوسیدنی‌است که تابستان و پاییزش متفاوت است؛ جمعه و شنبه‌اش فرق دارد...

کرونا قواعد زیادی از زندگی ما را عوض کرد؛ یکی از آنها فراموشی طعم ترش و شیرین تابستان بود. تعطیلات معنای خاصی نداشت. مدرسه که آمد پشت گوشه‌ها و شیطنت‌ها از رونق افتاد و خانه‌ها از صبح تا شب هم پدر و مادر در خودش می‌دید و هم سر و صدای بچه‌ها را، خیلی روزهای خانه شبیه هم شد. وقتی کرونا را حتماً گذاشت هم رخ روزها عوض شد؛ درخشان‌تر از قبل حتی... انگار کرونا از تمام ریه‌هایی که بیمار کرده بود نفس گرفت و فوت کرد روی روزهایی که باقی مانده بود و نشانمان داد که روزهای عادی آنقدرها هم خاکستری نیست و تکرارها خیلی هم دست‌داشتنی‌اند.

صدایش زدم. گفتم امیرحسین بیا کوله امسال و سال گذشته‌ها را با هم مقایسه کنیم. خیره و متعجب نگاهم می‌کرد. گفت: «مقایسه؟ این که همان کوله پارسال من است.»

گفتم: «فکر نکنم این همان کوله باشد؛ کوله پارسال تو گوشه خانه بود. مدرسه نرفته بود، کلاس ندیده بود، دیده بود؟ این همه تجربه‌ای که کیف تو امسال دارد پارسال نداشت. امسال خیلی قشنگ‌تر است.»

کمی نگاهم کرد و گفت: «کیف پارسال نوتر بود... نبود؟ رنگ هایش قشنگ‌تر نبود؟»

گفتم: «من این کیف خسته و کثیف را قشنگ‌تر می‌بینم امیرحسین! در باد و باران و برف و آفتاب روی دوشت بود. از خانه بیرون آمد و دبستان را دید. فوتبال بازی کردن و یاد گرفتن و مشق نوشتن‌ها و دوستی‌هایت را دید. این رنگ و رو رفتگی به نظر من بیشتر رنگ زندگی و زنده بودن دارد. آدم زنده حرکت می‌کند، تجربه می‌کند. کرونا که آمد خیلی همه چیز غم‌انگیز و بی حرکت شد. یادت هست؟»

سرسش را بالا گرفت و گفت: «کاش اصلاً همه آن روزها یادمان بیرون مامان! حتی خانه مادر بزرگ‌هایمان هم نمی‌توانستیم برویم. پارک نمی‌رفتیم. مامان! یادت هست که خیلی خیلی وقت بود که حتی سرسره نمی‌توانستیم سوار شویم؟»

گفتم: «اتفاقاً من دوست دارم همیشه یادمان بماند امیرحسین! کرونا به من یاد داد که کفش و کیف‌هایی که نو می‌ماند، زندگی نکردن ما را به ما یادآوری می‌کند.»

می‌دانستم اگر بیش از این منبر بروم حوصله‌اش را سر می‌برم. از جایش بلند شد و به برادرش گفت: «امیرحسین! کیف نو به نظر قشنگ‌تر است یا کیف کهنه؟» او هم عاقل‌اندر سفیه نگاهش کرد و گفت: «کیف پاره اصلاً قشنگه...»

امیرحسین گفت: «آفرین! کیف پاره... بیا برایت بگویم چرا کیف‌های کهنه قشنگ‌ترند... تو کوچک بودی... یادت نیست، من یاد هست ولی که کرونا چقدر بد بود...»

رو کرد به من و گفت: «مامان! این امیرحسین حرف‌های بزرگ‌ترها مثل من و شما را می‌فهمد؟»

با چشم و لب‌هایی که خنده‌اش را به زور نگه داشته بود، تأیید کردم که برادرش حرفش را می‌فهمد.



گفتم: «فکر نکنم این همان کوله باشد؛ کوله پارسال تو گوشه خانه بود. مدرسه نرفته بود، کلاس ندیده بود، دیده بود؟ این همه تجربه‌ای که کیف تو امسال دارد پارسال نداشت. امسال خیلی قشنگ‌تر است.»

## راز مرگ ورساچه

احتمالاً چندین برابر طراحی‌های اصلی برند ورساچه، لوگوی این برند معروف روی روسری، کیف، مانتو و کفش‌های ایرانی استفاده شده است. حتی اگر کسی در ایران این برند را نشناسد، قطعاً لوگوی آن را دیده است، اما این برند معروف ایتالیایی، علاوه بر محبوب بودن در بین بسیاری از سلبریتی‌های خارجی و قیمت بالای محصولات آن، یک ویژگی مهم دیگر هم دارد.

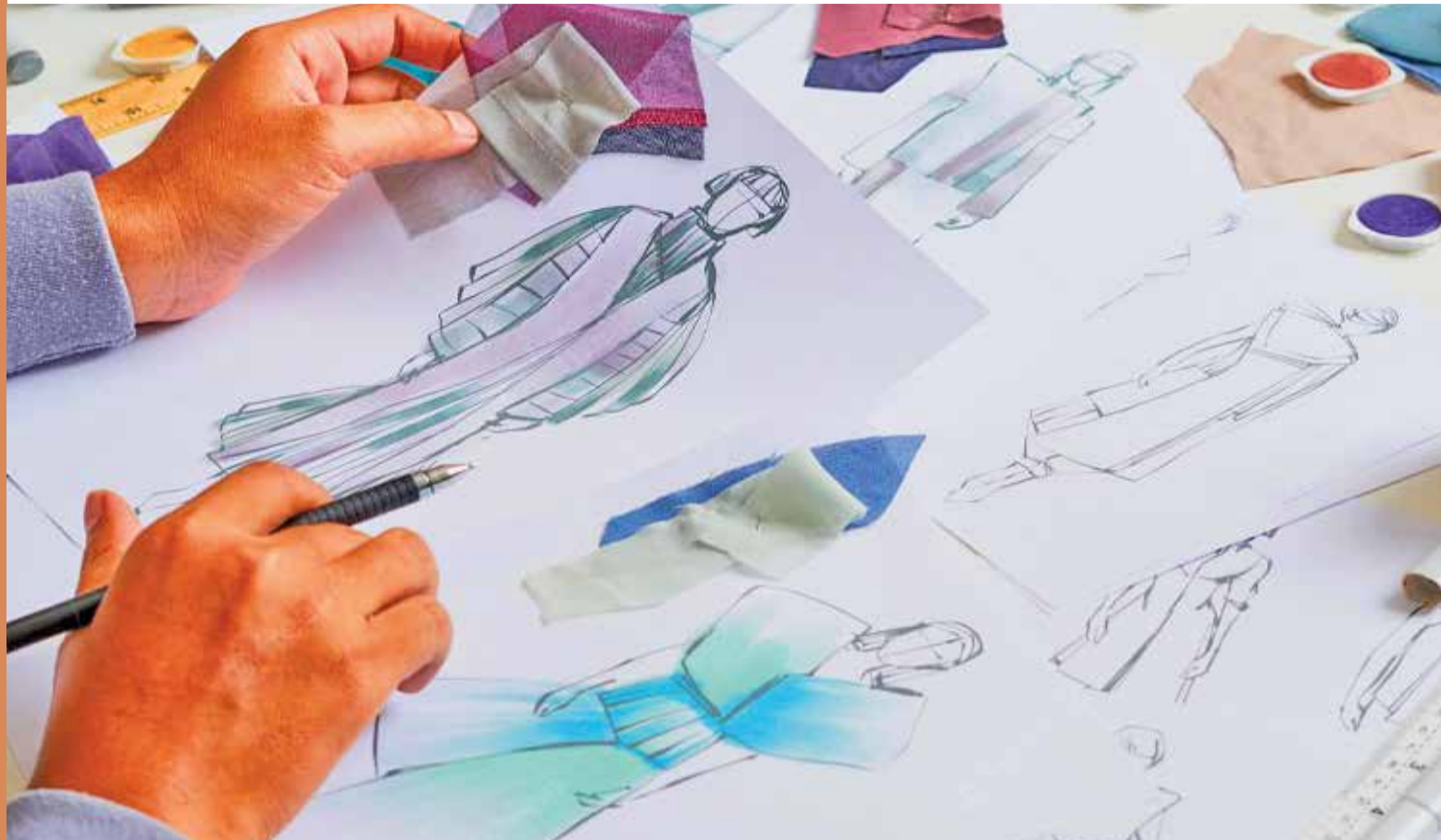
یک راز که برای همیشه در هاله‌ای از ابهام باقی ماند. چینی ورساچه در ۲۶ سالگی و در سال ۱۹۷۸ و با افتتاح بوتیکی به نام ورساچه در شهر میلان ایتالیا، برند خود را خلق کرد

چینی با راه‌اندازی بوتیک مستقل خودش به سرعت در صحنه بین‌المللی مد شناخته شد. همزمان با افتتاح بوتیک میلان، خواهرش دوناتلا برادر بزرگتر چینی به نام سانتو نیز به او پیوستند و خیلی زود یک امپراطوری مد به سبک و سیاق خودشان ایجاد کردند. اما روزگار با چینی سر سازگاری نداشت و در سن ۵۰ سالگی به دست یک قاتل سریالی به ضرب گلوله کشته شد. هشت روز بعد از قتل چینی، قاتل نیز دست به خودکشی زد و علت قتل ورساچه برای همیشه به عنوان یک راز باقی ماند.

مسیر برند ورساچه بعد از چینی به دلیل اختلافات دوناتلا و سانتیو تغییرات زیادی کرد. در فیلم «خانه ورساچه» که به کارگردانی سارا شوگرمن در سال ۲۰۱۳ ساخته شد، زندگی خاندان ورساچه و بویزه دوناتلا به تصویر کشیده شده است.

## یک تیر و دو نشان

طراحی لباس یعنی ترکیب خلاقیت و مهارت. یکی از بهترین راه‌های آشنا شدن با این حرفه و الهام گرفتن از طراحان مد، آشنا شدن با زندگی آنها و چالش‌هایی است که در مسیر تبدیل شدن به یک طراح لباس معروف داشته‌اند، اما حتی اگر زندگی این طراحان لباس مشهور برایتان جذاب نباشد، با تماشای این فیلم‌ها قطعاً از تماشای یک فیلم بیوگرافی خوب لذت خواهید برد.



## داستان زندگی طراحان لباس معروف

## گذر از خیاط‌های محله

## به مزون‌هایی با لباس‌های چند صد میلیونی



دوران نوجوانی من در دهه ۷۰ گذشت. آن روزها وقتی به عروسی یکی از نزدیکان دعوت می‌شدیم، اولین دغدغه این بود که حالا چی بپوشم؟ تعداد مزون‌های لباس مجلسی مثل امروز زیاد نبود، مخصوصاً در شهرستان.

اولین قدم این بود که چند روزی به دنبال پارچه می‌گشتم تا پارچه‌ای را که می‌خواستیم، پیدا کنیم. مرحله دوم روانه شدن به سمت خانه خیاط محله بود. در واقع خیاط هر محله به نوعی طراح لباس یا همان فشن دیزاینر خانم‌های آن منطقه به حساب می‌آمد. نگاهی به پارچه می‌کرد و نگاهی به اندام ما و مدل لباس را تعیین می‌کرد. خبری از مدل‌های اینترنتی نبود.

تا آماده شدن لباس باید چند باری به خیاطی می‌رفتیم و لباس نیمه‌آماده را پرو می‌کردیم تا بالاخره روز تحویل فرا می‌رسید. انتظار شیرینی که معمولاً همزمان با روز مراسم عروسی به پایان می‌رسید.

کم‌کم تعداد مزون‌ها بیشتر شد و تمایل ما به راحت‌تر و سریع‌تر انجام دادن کارها باعث شد کمتر سراغ خرید پارچه و خیاط برویم. گرچه مدل و کیفیت دوخت لباس‌ها بهتر شد، ولی اتفاق عجیبی نبود اگر در مراسم می‌دیدیم که لباس مان با لباس یک یا حتی چند نفر از میهمان‌ها مثل هم است. لزوماً هم از یک مزون یا حتی از یک شهر نخریده بودیم. طراحی لباس در ایران مسأله متداول و معمولی نیست. شاید چهار-پنج سال بیشتر نباشد که ما نام این شغل را در مکالمات روزمره مردم می‌شنویم. طراحی لباس در ایران بیشتر مختص جامعه هنری است. حتی در سال‌های اخیر که به عنوان شغل رواج بیشتری پیدا کرده، مختص طبقه بالای جامعه است.

ولی در اروپا و آمریکا این طور نبوده و نیست. طراحی لباس قدمت تاریخی زیادی دارد. غیر از بحث طراحی لباس برای فیلم و تئاتر که یک رشته تخصصی به حساب می‌آید، طراحان لباس معروفی در دنیا هستند که در واقع جریان مد را هدایت می‌کنند. نام خیلی از آنها را روی اجناس تقلبی و فیکه که در بازار به وفور پیدا می‌شود، دیده‌ایم، مانند دولچه و گابانا، ورساچه و گوچی. صاحبان این برندها علاوه بر شهرتی که در دنیای مد و هنر دارند، دارای ثروت‌های افسانه‌ای نیز هستند، ولی رسیدن به این شهرت و ثروت، سال‌های زیادی زمان برده است. برخی از طراح‌هایی که امروز شاهد فعالیت آنها هستیم، در واقع ادامه دهنده یک شغل خانوادگی هستند و برخی خود آغازگر این کار بوده‌اند. دانستن داستان زندگی طراحان لباس معروف می‌تواند هم جذاب و هم الهام‌بخش باشد. در این یادداشت سراغ معرفی فیلم‌هایی رفته‌ایم که در این زمینه ساخته شده‌اند، یعنی بیوگرافی طراحان لباس معروف جهان.

## کودکی غم‌انگیز کوکوشنل

احتمالاً بیشتر ما نام کوکوشنل را بیشتر از یک طراح لباس، به عنوان نام یک عطر شنیده‌ایم. در ۱۹ آگوست سال ۱۸۸۳ دختری به نام گابریل بونهور سنل متولد شد که امروز جهان او را با نام کوکوشنل می‌شناسد.

شنل می‌شناسد. ریشه برند سنل، از دوران کودکی غم‌انگیز طراح آن سرچشمه می‌گیرد. کوکوشنل در کودکی مرگ زودرس مادر، رها شدن توسط پدرش هنری آلبرت سنل و سال‌ها زندگی در صومعه را تجربه کرد. در این صومعه او با زنانی زندگی می‌کرد که فقط لباس‌های سیاه و سفید می‌پوشیدند. اما دقیقاً اینجا بود که گابریل تبدیل به سنل شد، با مشاهده تضاد رنگ‌ها و خطوط صاف. خطوطی که در نهایت به ویژگی متمایز طرح‌های او تبدیل شدند. شاید به دلیل همین زندگی پر فراز و نشیب است که کارگردان‌ها توجه بیشتری به سنل داشته‌اند. فیلم Chanel Solitaire یک درام تاریخی بریتانیایی-فرانسوی-آمریکایی محصول سال ۱۹۸۱ به کارگردانی جورج کازندر است. در این فیلم بیشتر به رابطه سنل با اتین دو بالسان و بعد از آن رابطه عاشقانه طوفانی‌اش با بوی کیل و نقشی که این دو مرد در معرفی و پیشرفت او به عنوان یک زن تاجر مستقل ایفا کردند، می‌پردازد. فیلم معروف دیگری که درباره کوکوشنل ساخته شده، کوکوشنل از سنل (Coco before Chanel)، به کارگردانی آن فونتن است که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد و بر اساس رمان «سنل و دنیایش» ساخته شده است.

## قتل در خانه گوچی

اگر اهل پیگیری اخبار باشید حتماً نام لیدی گاگا، خواننده معروف آمریکایی را در مراسم تحلیف جو بایدن در سال ۲۰۲۱ شنیده‌اید. اما لیدی گاگا علاوه بر اینکه یک خواننده مشهور است، بازیگر خوبی هم به حساب می‌آید. در فیلم «خانه گوچی» که در سال ۲۰۲۱ اکران شد، لیدی گاگا نقش همسر مائوریتز یو گوچی را بازی کرده است. این فیلم درباره خاندان گوچی و رابطه عاشقانه مائوریتز یو گوچی و پاتریسیا راجانی است که در نهایت منجر به قتل گوچی می‌شود.

یکی دیگر از نقاط قوت این فیلم، بازی آل پاچینو در نقش آلدو گوچی است. فیلم در واقع بر اساس رمان «خانه گوچی: داستانی شورانگیز از قتل، دیوانگی، فریبندگی، و طمع» نوشته سارا گی فوردن است و در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است.



در فیلم «خانه گوچی» که در سال ۲۰۲۱ اکران شد، لیدی گاگا نقش همسر مائوریتز یو گوچی را بازی کرده است. این فیلم درباره خاندان گوچی و رابطه عاشقانه مائوریتز یو گوچی و پاتریسیا راجانی است که در نهایت منجر به قتل گوچی می‌شود